

## لغزش‌های تاریخی در مورد درخواست کنندگان نقل حدیث از علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> در نیشابور

مهدی بیات مختاری<sup>۱</sup>

**چکیده:** در توقف حضرت رضا<sup>(ع)</sup> در نیشابور و درخواست نقل حدیث از وی توسط برخی شخصیت‌های نام‌بردار و شناخته‌شده تردیدی نیست. شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق)، حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ق)، حافظ اصفهانی (متوفای ۴۳۰ق) و ابن عساکر دمشقی (متوفای ۵۷۱ق) در مجموع به هفت نفر به گونه مستند اشاره کرده‌اند که عبارت‌اند از: محمد بن رافع، أحمد بن حرب، یحیی بن یحیی، ابن راهویه، محمد بن اسلم، یاسین بن نصر و محمد بن یحیی. البته ذکر ابوزرعه رازی از سوی اربلی (متوفای ۶۹۳ق) و برخی دیگر و قلمداد شدن ابن خزیمه، ابوعلی ثقفی، آدم بن ابی‌آیاس، نصر بن علی و معلی بن منصور توسط محمد محسن طیبی، مبتنی بر تحقیق و قراین تأییدی نیست. نگارنده این سطور با گردآوری کتابخانه‌ای جستارها و اطلاعات و ارائه آن به شیوه تاریخی-انتقادی، کوشش کرده است مرزبندی مستندی از اشخاص ارائه دهد. این شش فرد اخیر یا در آن زمان متولد نشده بودند، یا شرایط لازم برای نقل حدیث نداشتند و یا در مناطق دیگر زندگی می‌کردند.

**واژه‌های کلیدی:** نیشابور، علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup>، تحریف تاریخ، درخواست کنندگان نقل حدیث.

00.000.00.00.0

bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir

ORCID: 0000-0003-2787-742X

۱ دانشیار گروه تاریخ تشیع دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۸/۰۱

Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



## **Historical Alterations and Mistakes regarding those Requesting the Narration of Hadith from Ali ibn Musa al-Reza (AS) in Neyshabur**

Mahdi Bayat Mokhtari<sup>1</sup>

**Abstract:** There is no doubt that Imam Reza (AS) stopped in Neyshabur and was asked to narrate Hadith by some famous and well-known figures. Sheikh Saduq (d. 381 AH), Hakim Neyshaburi (d. 405 AH), Hafiz Isfahani (d. 430 AH), and Ibn Asakir Dameshqi (d. 571 AH) have mentioned a total number of seven people in a documented manner, namely: Muhammad ibn Rafeh, Ahmad ibn Harb, Yahya ibn Yahya, Ibn Rahuyyah, Muhammad ibn Aslam, Yasin ibn Nazr, and Muhammad ibn Yahya. However, naming Abu Zarah Razi by Arbali (d. 693 AH) and some others, as well as the inclusion of Ibn Khuzaymah, Abu Ali Thaqafi, Adam ibn Abi Ayyas, Nasr ibn Ali, and Mualla ibn Mansur by Muhammad Mohsen Tabasi are not based on research or corroborating evidence. The author of this paper, using desk study and by collecting essays and information and presenting it in a historical-critical method, has tried to provide a documented identification of these individuals. These last six individuals were either not born at that time, did not have the necessary qualifications to narrate Hadith, or lived in other regions.

**Keywords:** Neyshabur, Imam Reza (AS), historical alteration, Hadith narration requesters.

---

 00.000.00.00.0

1 Associate Professor, Department of Shiite History, University of Neyshabur, Neyshabur, Iran.

[bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir](mailto:bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir)

 ORCID: 0000-0003-2787-742X

Receive Date: 2024/06/28    Accept Date: 2024/10/22

 Copyright: © 2020 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## مقدمه

جغرافی‌دانان و سفرنامه‌نویسان چهار شهر مهم بلخ، مرو، هرات و نیشابور را اربع خراسان گفته‌اند و با عناوین «رُبع بلخ»، «ربع مرو»، «ربع هرات» و «ربع نیشابور» از آنها یاد کرده‌اند. نام این چهار شهر را همیشه در کنار یکدیگر می‌بینیم. پیش از دوره اسلامی، تقسیم‌بندی خراسان نیز به همین ترتیب بوده است. این چهار شهر بزرگ بر حسب موقعیت و جمعیت، هر یک در زمانی مرکز حکومت خراسان و جایگاه استقرار سپهسالاران، والیان و امیران بوده و از دیگر شهرهای خراسان اهمیت بیشتری داشته‌اند (بیات مختاری، ۱۳۹۱: ۱۸). در اقلیم خراسان حضرت رضا<sup>(ع)</sup> برای رفتن به مرو که پایتخت حکومت مأمون بود، باید از نیشابور گذر می‌کرد که اکثریت آنان از پیروان مکتب خلافت بودند و محدثان، قبهان و متکلمانی بزرگ در آن زندگی می‌کردند. درباره ورود علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> به نیشابور گزارش‌های متعدد و مستندی وجود دارد. حاکم نیشابوری (۳۲۱-۴۰۵ق) مورخ و محدث نامدار تصریح کرده است که شهر نیشابور در سال ۲۰۰ق. با قدوم حضرت رضا<sup>(ع)</sup> قرین مباحثات شد، ولی دیدگاه دقیق این است که وی در سال یادشده فرا خوانده شد و پس از چند ماه در سال ۲۰۱ق. وارد نیشابور شد (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸؛ جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۹۹).

با نزدیک شدن وی به شهر، هزاران کس از نیشابوریان به همراه دانشمندان آن دیار از جمله ابن‌راهویه که شیخ مؤلفان صحاح سته اهل سنت است، تا دهکده «مؤیدیه» در پی استقبال از او رفتند. هنگام رسیدنش به نیشابور و از رهگذر شوق دیدار، شهر یکپارچه دستخوش جوشش شد. گروهی گریه و برخی فریاد شادی برآوردند؛ دسته‌های جامه‌های خود پاره کردند، گروهی خود را به خاک افکندند و عده‌ای افسار مرکبش را می‌بوسیدند. ازدحام تا هنگام نیمروز به درازا انجامید و به تقاضای بزرگان، فریادها خاموش شد و سکوت همه جا را فرا گرفت (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸؛ اربلی، [بی تا]: ۱۰/۳؛ ابن‌صباغ، ۱۴۲۲: ۱۰۰/۲؛ مناوی، ۱۴۱۵؛ ۶۴۱/۴).

علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> مدتی در نیشابور اقامت کرد. حاکم نیشابوری نوشته است: «در افواه و اسماع فقرا مشهور بود که چهار سال در نیشابور توطن فرمودند و العلمُ عندالله» (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸). از سخنان حاکم نتیجه گرفته می‌شود که امام<sup>(ع)</sup> از سال ۲۰۰ تا ۲۰۴ق. در نیشابور زندگی کرده‌اند که بی‌گمان اشتباه است و حداکثر توقف چند روز متبادر به ذهن و نزدیک به صحت است؛ زیرا بر پایه دیدگاه کلینی و مفید، امام در صفر سال ۲۰۳ و به گفته صدوق ۹ روز

مانده به پایان ماه رمضان سال ۲۰۳، در طوس شهید شد (صدوق، ۱۴۰۴: ۲/۲۷۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۳/۴۹). پیداست که سخن حاکم در عداد مسموعات وی است و خود در درستی این سخن تردید داشته و آوردن جمله «العلم عندالله» نشانه‌ای بر این مدعاست. به هر روی، امام رضا<sup>(ع)</sup> مدتی در نیشابور اقامت گزیدند که مأمون با دادن پیام، آن حضرت را به مرو فرا خواند (عطاردی، ۱۴۰۶: ۵۹/۱؛ همو، ۱۳۸۸: ۸۸). امام در محله «عُزَّ» در بخش معروف به «بلاشباد» در ناحیه غربی شهر نیشابور، استقرار یافت. وی در آن خانه به کاشتن درخت بادامی اقدام کردند که بیماران از برگ و میوه آن شفا می‌یافتند. افزون بر آن، علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> در زمان حضور در نیشابور روزی فرمود: «مخدوم ما اینجا مدفون است، به زیارت ایشان رویم» و سپس به روضه سید محمد محروق در منطقه «تلاجرده» حاضر شد و او را زیارت کرد و یاد آن شهید را گرامی داشت (صدوق، ۱۴۰۴: ۲/۱۴۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۹، ۲۱۱).

حاکم نیشابوری تصریح کرده است که آن حضرت بر منبر برآمدند و در حضور هزاران کس که دوات و قلم در اختیار داشتند، به شیوه «مُعَن» و با واسطه نیاکان ارجمندش<sup>(ع)</sup> تا حضرت خواجه کائنات<sup>(ص)</sup>، حدیث «اتعظیمُ لأمر الله و الشفقةُ علی خلق الله» را بیان کردند (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۱۲). در اینکه حضرت رضا<sup>(ع)</sup> «سلسله الذهب» را در هنگام ورود و یا خروج از نیشابور بیان کرده‌اند، ناهمگونی وجود دارد. برخی مانند اربلی معتقد بودند که هنگام ورود هزاران کس با داشتن ابزار نوشتاری درخواست کردند که حدیثی برای آنان از پدران گرامی‌اش نقل کند. در این هنگام مرکب متوقف شد و سایبان به کنار رفت و دیدگان مسلمانان به جمال حضرت افتاد و امام<sup>(ع)</sup> حدیث قدسی «لا إله إلا الله حصنی فمن دخل حصنی أمن من عذابی، بشروطها و أنا من شروطها» مشهور به «سلسله الذهب» را در عدم انفکاک توحید و رهبری الهی القا کردند که نزدیک به ۲۴ هزار نفر حدیث را نوشتند. ولی شیخ صدوق به نقل از ابوصلت هروی و ابن راهویه نوشته است: حدیث «سلسله الذهب» هنگام کوچ امام رضا<sup>(ع)</sup> از نیشابور گفته شد (صدوق، ۱۴۰۴: ۲/۱۴۲، ۱۴۳؛ اربلی، [بی‌تا]: ۱۰/۳؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۱۰۰/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۷/۴۹).

در اینکه چه کسانی به لگام مرکب امام رضا<sup>(ع)</sup> چنگ زده‌اند و یا درخواست بازگویی حدیث کرده‌اند، اتفاق نظر وجود ندارد. منابع قدیم و جدید به صورت گسسته و پراکنده نام سیزده تن را برشمرده‌اند. مقاله درصدد است صحت و سقم گفته‌ها را بررسی کند که در دو

بخش ساماندهی شده است: ۱. کسانی که منابع نخستین و معتبر نام آنان را گزارش کرده‌اند؛ ۲. افرادی که نام آنان در اسناد معتبر نیست و قراین و شواهد پشتیبانی نمی‌کنند. نگارنده با گردآوری کتابخانه‌ای جستارها و اطلاعات و ارائه آن به شیوه تحلیلی-تاریخی، کوشش کرده است که مرزبندی مستند و متقنی از کسانی که به لگام مرکب امام رضا<sup>(ع)</sup> در نیشابور چنگ زده‌اند و یا درخواست نقل حدیث کرده‌اند، از کسانی که در این عداد قلمداد شده‌اند و به دور از صحت و استواری است، ارائه دهد. رسالت این پژوهش بررسی صحت و سقم این گزارش‌ها و نسبت‌های تاریخی است که برخی دستخوش لغزش و خطا شده‌اند.

### پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های انجام گرفته تاکنون نوشته مستقلی درباره اینکه چه کسانی به لگام مرکب امام رضا<sup>(ع)</sup> چنگ زده‌اند و یا درخواست نقل حدیث کرده‌اند، نوشته نشده است، اما در کتاب‌های حدیثی جسته و گریخته به برخی نام‌ها اشاره شده است. شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ق) با نقل روایتی در کتاب *عیون أخبار الرضا<sup>(ع)</sup> و التوحید* به نام محمد بن رافع، أحمد بن حرب، یحیی بن یحیی و ابن راهویه تصریح کرده است (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۴۳/۲؛ همو، ۱۳۹۸: ۲۴). ابو عبدالله حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ق) در کتاب *تاریخ نیشابور* به استملا و استماع ابن راهویه و محمد بن أسلم طوسی اشاره کرده است (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸، ۲۲۶). حافظ ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰ق) در کتاب *ذکر أخبار إصیهان* از یاسین بن نصر، أحمد بن حرب و یحیی بن یحیی نام برده است (ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۳۸/۱). ابن عساکر دمشقی (متوفای ۵۷۱ق) در کتاب *تاریخ مدینة دمشق* از محمد بن یحیی نام برده است (ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵ق: ۴۶۳/۵). در سده هفتم قمری، اربلی (متوفای ۶۹۲ق) برای اولین بار در کتاب *كشف الغمة فی معرفة الأئمة* از ابوزرع رازی به عنوان درخواست‌کننده نقل حدیث نام برده است (اربلی، [بی‌تا]: ۱۰۱/۳) پس از اربلی، ابن صباغ، قندوزی، مجلسی، امین، خوبی، مرتضی عاملی و دیگران آن سخن را تکرار کرده‌اند (قندوزی، ۱۴۱۶: ۱۲۲/۳؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۱۰۰۱/۲؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۶۴۱/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۲۶/۴۹؛ خوبی، ۱۴۱۳ق: ۸۸/۱۶؛ مرتضی عاملی، ۱۴۱۶ق: ۱۴۴). طبسی در کتاب *حدیث سلسله الذهب از دیدگاه اهل سنت* (۱۳۸۸: ۹۰-۹۷) ابن خزیمه، ابوعلی ثقفی، آدم بن ابی‌ایاس عسقلانی و نصر بن علی جهضمی و در مقاله «سلسله الذهب به روایت اهل سنت» (۱۳۸۵: ۳۱-۴۲)

معلی بن منصور رازی حنفی را در عداد درخواست کنندگان نقل حدیث معرفی کرده است. این سخنان وی فاقد استناد و از مجعولات تاریخی است.

### ۱. چنگ زندگان به لگام و جویندگان نقل حدیث

بررسی منابع نخستین تاریخی و حدیثی حاوی این است که افراد ذیل در این زمره جای می گیرند.

#### ۱-۱. احمد بن حرب نیشابوری (متوفای ۲۳۴ق)

ابوعبدالله احمد بن حرب بن عبدالله نیشابوری از محدثانی است که هنگام گام نهادن امام رضا<sup>(ع)</sup> به نیشابور، به پیشباز وی رفت. افزون بر آن، در «مرّبعه» به لگام مرکب چنگ زد و درخواست بازگویی حدیث کرد. وی نیشابوری است و بنا به گفته ضعیفی، مروزی است. تاریخ زادروز وی به درستی روشن نیست. مورخان و رجالیان نوشته اند که وی به هنگام درگذشتش در سال ۲۳۴ق، ۵۸ سال داشته است. از این رو باید تولد وی در دهه های پایانی سده دوم و حدود سال ۱۷۶ باشد که در این هنگام حدود ۲۵ سال داشته است (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۴۳/۲؛ همو، ۱۳۹۸: ۲۴؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۳۸/۱؛ اربلی، [بی تا]: ۱۰۰/۳؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ۱۲۳/۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۴۰/۴).

وی برای فراگیری دانش به شهرهای گوناگونی چون بصره، بغداد و کوفه رهسپار شد و از سفیان بن عیینه، عبدالله بن ولید عدنی، ابوداود طیالسی و مشایخ بسیاری از آن طبقه حدیث شنید. او در نیشابور اقامت داشت و تدریس می کرد و بسیاری مانند سهل بن عمّار، محمد بن شاذان، ابراهیم بن اسحاق أنماطی و دیگران، از وی حدیث شنیده اند. سرشناس ترین شاگرد وی محمد بن کرام (۱۹۰-۲۵۵ق) پایه گذار مذهب کرامیه است و بر همین اساس کرامیه، احمد بن حرب را هم باور خویش می دانستند و گرامی می داشتند. اربعین، عیال الله، زهد، دعاء، حکمه، مناسک و تکسب، از تألیفات ابن حرب شمرده شده اند (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۶/۱۷؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۱۴۹/۱).

منابع رجالی مکتب خلافت وی را اسوه اهل حدیث، فقیه، عابد، زاهد و در عداد ابدال نام برده اند. حاکم نیشابوری وی را در مقایسه با دو برادرش حسین و زکریا، باتقواترین دانسته است. به علاوه در جنگی که در سال های پس از ۲۲۰ق. در سرزمین روم رخ داد، وی شرکت داشت و

پیروزی بزرگی به دست آمد (حاکم نیشابوری، ۱۴۰۰: ۱۵۷؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۳۴/۱۱؛ عطار نیشابوری، [بی تا]: ۲۱۸-۲۲۱).

برخی منابع احمد را مرجئی مذهب قلمداد کرده‌اند که عقایدش را در لفافه ترویج می‌کرد، اما شخصی به نام «جمعه بن عبدالله» گرایش وی را برای مردم بازگفت و مانع او شد. مرجئه شرط عمل را در تحقق ایمان اضافی دانسته‌اند و در مورد عدم جزئیّت عمل برای ایمان با هم مشترک‌اند. عموم مرجئیان ایمان را اقرار زبانی و به معنای معرفت و تصدیق گفته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۴۱/۴؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۸۹/۱؛ وحیدی مهرجردی، ۱۳۹۴: ۷۷-۸۱).

از وی روایات ارزشمندی درباره مناقب اهل بیت<sup>(ع)</sup> همانند سه مورد ذیل نقل شده است:  
الف. امام علی<sup>(ع)</sup> خطاب به مردم کوفه فرمود: «ای مردم کوفه از من پرسش کنید، پیش از آنکه دیگر نتوانید چیزی از من بیسید. سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، آیه‌ای نازل نشده مگر اینکه علم دارم کجا و درباره چه کسی فرود آمده؛ در کوه نازل شده یا در دشت؛ در راه یا جایگاه» (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۰/۱، ۴۴؛ مرعشی، ۱۴۰۴: ۴۸۶/۱۷؛ محمودی، ۱۳۹۶: ۶۲۳/۲).

ب. وی در شأن نزول آیه ﴿وَمَا نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾ (سوره ص، آیه ۲۸) نقل کرده است که مقصود از درستکاران و پرهیزکاران، حمزه، علی<sup>(ع)</sup> و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب و مراد از مفسدین و فجّار، عتبه، شیبه و ولید بن عتبه است (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۷۱/۲).

ج. نام وی در سند مناجات معروف «يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يُعْطِيهِ السَّائِلُونَ يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلْحِحِينَ، أَذْقِنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ رَحْمَتِكَ»، قرار دارد که امام علی<sup>(ع)</sup> آن را از خضر پیامبر استماع کرده و هنگامی که خضر چنگ به پرده کعبه زده بود، آن را می‌خواند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۴۰/۴؛ ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۴۲۵/۱۶).

## ۲-۱. ابن راهویه (متوفای ۲۳۸ق)

ابویعقوب اسحاق بن ابراهیم مروزی حنظلی تمیمی خراسانی نامور به «ابن راهویه» از دانشمندان نیشابور بود که در مربعه نیشابور به افسار مرکب امام رضا<sup>(ع)</sup> چنگ زد و درخواست گزارش حدیثی از احادیث پدرانش کرد و به همین دلیل وی را از صحابیان و راویان امام رضا<sup>(ع)</sup> شمرده‌اند

(صدوق، ۱۴۰۴: ۱۴۳/۲؛ همو، ۱۳۹۸: ۲۴؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۳۵۱؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ۱۲۳/۳). حاکم نیشابوری نوشته است که در سال ۲۰۰ق. ابن راهویه شیخ شهر در کبر سن تا قریه مؤیدیه با چند هزار صدیق رفیق در پی پیشوا رفتند و ریسمان مهار مرکب امام اولیاء بر دوش احترام گرفته و به شهر باز آمد و می گفت در روز قیامت وسیله نجات من این است که روزی مهارکش مرکب حضرت سلطان بوده ام (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸).

وی در سال ۱۶۱ق. در مرو زاده شد و در نیشابور سکونت گزید. در چرایی ناموری وی به «ابن راهویه» گفته شده است که «راهویه» مرکب از واژه «راه» و «ویه» به معنای یافتن و پیدا کردن، لقبی است که مردمان مرو به مناسبت تولد پدرش ابراهیم در راه مکه به او دادند و از این رو اسحاق را «ابن راهویه» گویند. در نوجوانی در خراسان از «محمد بن عبدالله بن مبارک» حدیث شنید و سپس در سال ۱۸۴ در طلب علم و شنیدن حدیث، به عراق، حجاز، یمن و شام مسافرت کرد و از مشایخ بزرگی چون سفیان بن عیینه، اسماعیل بن عُلَیْه، و کعب بن جراح، ابوبکر بن عیّاش و برخی دیگر حدیث شنید. صاحبان صحاح و سنن شش گانه و بسیاری دیگر چون یحیی بن معین از او روایت کرده اند. استادش یحیی بن آدم دوهزار حدیث از وی روایت کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۴۵/۶-۳۵۵؛ ابن خلکان، [بی تا]: ۲۰۰/۱؛ ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۱۲۰/۸؛ مزی، ۱۴۱۳: ۳۷۹/۲-۳۷۶).

رجال شناسان اهل سنت وی را فقیه، مجتهد، ثقه، امین، حافظ، محدث و احیاگر سنت رسول الله<sup>(ص)</sup> شمرده اند. هفتاد هزار حدیث یا بیشتر از حفظ داشته و گفته شده است که در املائی حدیث، هرگز نوشتاری در دست او دیده نشده است. گفته اند اگر سفیان ثوری، سفیان بن عیینه و حسن بصری زنده بودند، نیازمند دانش وی بودند. ابن حنبل گفته است که همانندی در عراق و خراسان ندارد و در مناظره ای که با شافعی داشت، وی پیروز بود (صفدی، ۱۴۲۰: ۲۵۱/۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۴۸/۶-۳۵۴). کتاب های تفسیر، سنن و مسند در شش جلد از آثار وی است. در ۷۷ سالگی، در شب نیمه شعبان سال ۲۳۸ در نیشابور درگذشت و همان جا دفن شد (ابن ندیم بغدادی، [۱۳۸۱ش]: ۲۸۶؛ بخاری، [بی تا]: ۳۷۹/۱؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸).

### ۱-۳. محمد بن اسلم طوسی (متوفای ۲۴۲ق)

هنگامی که علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> به نیشابور نزدیک شد و محدثان به پیشواز وی شتافتند، ابوالحسن

محمدبن اسلم از زمره برجسته‌ترین آنان بود. طوسی وی را از اصحاب امام رضا<sup>(ع)</sup> شمرده و اربلی نیز نقل کرده است که امام رضا<sup>(ع)</sup> هنگام ورود به نیشابور سوار بر استر بودند. هنگامی که به بازار نیشابور نزدیک شدند، ابوزرعه و محمدبن اسلم روبه‌روی وی قرار گرفتند و خواستند حدیثی برای آنها املاء کند و حضرت حدیث «سلسلة الذهب» را بیان کرد و آن دو و بسیاری دیگر آن حدیث را نوشتند (طوسی، ۱۴۱۵: ۳۶۶؛ اربلی، [بی‌تا]: ۱۰۰/۳؛ ابن صباغ، ۱۴۲۲: ۱۰۰/۱/۲؛ مناوی، ۱۴۱۵؛ ۶۴۱/۴). حاکم نیشابوری نوشته است: «حضرت سلطان صلوات الله علی رسول الله و علی آله در محقه [مرکبی مانند هودج] بر ناقه عضباء خود سوار بود و قُدوه اهل انس و ایناس شیخ محمدبن اسلم طوسی را در محقه دیگر اجلاس فرموده بودند». وی در موضع دیگر نوشته است: «شیخ محمدبن اسلم طوسی زاهد زمان بوده است و خدمت امام علی بن موسی الرضا را دریافته و از او حدیث شنیده است» (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸، ۲۲۶).

محمدبن اسلم طوسی از موالیان قبیله کنده بود که حدود سال ۱۸۰ق. در طوس زاده شد، اما به نیشابور رفت و در آن شهر ساکن شد و به شهرت رسید. وی که از محدثان نام‌بردار به شمار می‌آید، از مشایخ بزرگی چون نصر بن شمیل، یعلی بن عبید، قبیصه بن عقبه و گروهی دیگر حدیث شنید و محدثان ناموری چون أحمد بن سلمه، ابن خزیمه، محمد بن وکیع و دیگران از وی روایت کرده‌اند. او همانند ابن حنبل، قائل به قدم قرآن بود و کتابی بر رد دیدگاه حدوث کلام الهی نوشت. کتاب‌های مسند، اربعین و الرد علی الجهمیه را در شمار تألیفات وی شمرده‌اند. وی به اوصافی چون امام ربّانی، شیخ مشرق، ثقه، حافظ، ولی از اولیاء و بدلی از ابدال توصیف شده است. از ابویعقوب مروزی پرسیدند شما که با ابن حنبل و ابن اسلم همنشین بودید، کدام یک بر دیگری برتری داشت؟ او گفت ابن اسلم در چهار چیز بر دیگران برتری داشت: بصیرت در دین، جویندگی احادیث رسول<sup>(ص)</sup>، انس با قرآن و عالم به ادبیات عرب. او در محرم سال ۲۴۲ درگذشت و هزاران کس بر وی نماز گزاردند و در کنار ابن راهویه در آرامگاه شادیاخ نیشابور که دانشمندان بسیاری در آن آرمیده‌اند، مدفون شد (ابن ابی حاتم رازی، ۱۳۷۲: ۲۰۱/۷؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۱۹۵/۱۲-۲۰۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۲، ۹۴، ۲۰۸، ۲۲۴).

#### ۱-۴. محمدبن رافع قشیری (متوفای ۲۴۵ق)

محمدبن رافع از دسته محدثانی است که در نیشابور به استقبال امام رضا<sup>(ع)</sup> رفت و به لگام

مرکب او چنگ زد و تقاضای بازگویی حدیث کرد (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۴۳/۲؛ همو، ۱۳۹۸: ۲۴). او سال ۱۷۰ق. به دنیا آمد و برای تحمل حدیث به شهرهای کوفه، بصره، بغداد، یمن و غیره رفت. وی از ده‌ها محدث مانند سفیان بن عیینه، شهابه بن سوار، عبدالله بن ولید عدنی، وکیع بن جراح، یحیی بن یحیی و احمد بن حنبل حدیث دریافت کرده است. بخاری، مسلم، ابوداود، نسائی، ترمذی، محمد بن یحیی، ابوزرعه، ابن خزیمه و دیگران شاگردان وی به شمار می‌آیند. ابن حنبل، بخاری، مسلم و نسائی او را توثیق کرده‌اند (مزی، ۱۴۱۳: ۱۹۲/۲۵-۱۹۴؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۲۱۵/۱۲-۲۱۸).

وی ناقل حدیث غدیر و برخی احادیث حاوی فضایل امام علی<sup>(ع)</sup> است و افزون بر آن، استاد فضل بن شاذان (متوفای ۲۶۰ق) نیز به حساب می‌آید. کرباسی از رجالان شیعی، با عبارت «کان خیراً فاضلاً تقیاً» وی را ستوده است. در ذی‌حجه سال ۲۴۵ از دنیا رفت و محمد بن یحیی بر او نماز خواند و در کنار ابن راهویه و محمد بن اسلم به خاک سپرده شد (طوسی، ۱۴۱۴: ۷۳۵؛ محمودی، ۱۳۹۶ق: ۴۵۳/۲، ۵۱۷؛ کرباسی، ۱۴۲۵: ۵۹۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۷۵/۲؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۲۷).

#### ۱-۵. یاسین بن نصر نیشابوری (متوفای ۲۵۲ق)

أبو سعید یاسین بن نصر بن یونس باهلی نیشابوری از جمله محدثانی است که در منطقه «مرّبعه» به لجام مرکب امام رضا<sup>(ع)</sup> چنگ زد و تقاضای نقل حدیث کرد (اربلی، [بی‌تا]: ۱۰۰/۳؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴؛ ۱۳۸/۱؛ ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۳۶۶/۴۸؛ شاکری، ۱۴۱۸: ۲۴۲/۱۲-۲۴۳). وی از محدثانی مانند نصر بن شمیل، أبو معاویه زعفرانی، حفص بن عبدالرحمن و دیگران نقل حدیث کرده و دو پسرش یعنی أبوبکر و أبواحمد و افرادی چون محمد بن عبدالوهاب عبدی، محمد بن زحمویه و أبویحیی بزاز از وی روایت کرده‌اند (ابن ماکولا، [بی‌تا]: ۳۵۳/۷). خاندان وی اهل قهاخت و روایت بودند. أبوبکر محمد بن یاسین بن نصر (متوفای ۲۹۳ق) فقیه نام‌بردار نیشابور بود که از اسحاق بن راهویه، عثمان بن أبی‌شبهه و هم‌طبقه آنان نقل حدیث می‌کرد و محمد بن صالح بن هانی و دیگران از او روایت می‌کردند. أبواحمد محمد بن یاسین بن نصر نیز فقیه و قاضی شهر نیشابور بود و از محمد بن رافع و علی بن سعد نسوی حدیث شنیده و أبو عبدالله دیناری و شیوخ دیگر نیشابور از وی روایت کرده‌اند. یاسین بن نصر در ذی‌قعدة سال ۲۵۲ درگذشت

ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۰۴/۲۲، ۲۴۵/۲۳؛ ابن‌ماکولا، [بی‌تا]: ۳۵۳/۷.

#### ۱-۶. یحیی بن یحیی نیشابوری (متوفای ۲۲۶ق)

به گفته شیخ صدوق و ابونعیم اصفهانی، ابوزکریا یحیی بن یحیی بن بکر تمیمی نیشابوری به پیشواز امام<sup>(ع)</sup> رفت و به افسار مرکب او چنگ زد و درخواست نقل حدیث کرد. شیخ طوسی و ابن‌داود حلی نیز وی را جزو صحابیان امام رضا<sup>(ع)</sup> شناسانده‌اند (صدوق، ۱۴۰۴: ۱۴۳/۲؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۳۶۸؛ ابن‌داود حلی، ۱۳۹۲: ۲۸۴، ۲۹۳؛ ابونعیم اصفهانی، ۱۹۳۴: ۱۳۸/۱؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۲۷۷/۱). وی در سال ۱۴۲ق. در نیشابور زاده شد و در واپسین روز صفر سال ۲۲۶ درگذشت. او برای دریافت حدیث به مناطق گوناگون خراسان، مکه، مدینه، شام، کوفه، واسط، یمن، مصر، ری و بغداد رهسپار شد و با بسیاری از تابعین صغار دیدار داشته است. از ده‌ها کس مانند سفیان بن عیینه، عبدالله بن مبارک، فضیل بن عیاض و مالک بن انس استماع حدیث کرده است. همچنین افراد بسیاری نظیر بخاری، مسلم، ابن‌راهویه، محمد بن اسلم، محمد بن رافع، محمد بن یحیی ذهلی از وی تحمل حدیث کرده‌اند (مزی، ۱۴۱۳: ۳۱/۳۲-۳۶؛ ذهبی، ۱۹۹۲: ۳۷۸/۲؛ ابن‌عماد حنبلی، [بی‌تا]: ۵۹/۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۳۱۸/۲).

منابع رجالی وی را با اوصاف شیخ‌الاسلام، عالم و ریحانه خراسان، حافظ، امام، زاهد، ثقه، مأمون، عاقل، صالح، فاضل و جزو کبار راویان شناسانده‌اند. احمد بن حنبل که جامه وی را بر تن می‌کرد، او را ثقه و در رده عبد الله بن مبارک شمرده است. ابن‌راهویه وی را امام اهل دنیا معرفی کرده و گفته است همانند وی ندیده‌ام. عبدالله بن طاهر شک وی را در مرز یقین می‌انگاشت. (ابن‌عماد حنبلی، [بی‌تا]: ۵۹/۲؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۳۱۸/۲؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۶۰/۱۶-۴۶۲؛ مزی، ۱۴۱۳ق: ۳۴/۳۲-۳۵؛ ابن‌عبدالبر، [بی‌تا]: ۶۲).

یحیی بن یحیی در سند حدیث صحیح و متواتر «منزلت» قرار دارد. وی همچنین در سند خبری قرار گرفته که بشیر بن سعد از پیامبر<sup>(ص)</sup> چگونگی درود فرستادن را پرسید و پیامبر فرمود بگوید «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ» (ابن‌بطریق، ۱۴۰۷: ۱۳۰؛ شیروانی، ۱۴۱۴: ۱۳۳؛ بیهقی، [بی‌تا]: ۱۴۶/۲).

## ۱-۷. محمدبن یحیی ذهلی نیشابوری (۱۷۲-۲۵۸ق)

ابن عساکر دمشقی (متوفای ۵۷۱ق) تصریح کرده است که «ابوعبدالله محمدبن یحیی بن عبدالله بن خالد بن فارس بن ذؤیب ذهلی نیشابوری» از دانشمندان مسلمان ایرانی سده دوم و سوم قمری، از چنگ زندگان به لجام مرکب امام رضا<sup>(ع)</sup> و متقاضی نقل حدیث بوده است (ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵ق: ۴۶۳/۵). وی در سال ۱۷۲ق. در نیشابور به دنیا آمد. سپس برای تحصیل دانش علاوه بر تلمذ در نیشابور، همانند معمول همان زمان، نزد دیگر دانشمندان در شهرهای دیگر جهان اسلام مانند ری، اصفهان، کوفه، بصره، بغداد، مکه، مدینه، یمن، شام، قاهره و غیره شاگردی کرد. وی از بزرگان علم حدیث و از معروفترین حافظان و راویان حدیث بوده و در عصر خود در نیشابور و خراسان به عنوان پیشوای علم حدیث به شمار می‌رفته است.

خطیب بغدادی گفته است که او از ائمه آگاه، حافظ و امین بود که حدیث زهری را جمع‌آوری کرد و به بغداد آمد و با شیوخ آنجا نشست و سخن گفت. احمد بن حنبل او را ستود و فضیلتش را گسترش داد. ذهبی گفته است وی امام، علامه، حافظ، استاد، شیخ اسلام، عالم اهل مشرق و امام اهل حدیث در خراسان بود. حاکم نیشابوری او را امام اهل حدیث عصر خود برشمرده و ابن ابی حاتم گفته است که از پدرم درباره او پرسیدند و او گفت ثقه است. ابودرعه او را امامی از امامان دانسته و بدرالدین عینی گفته است: او ثقه، امام و جلیل‌القدر است. گروهی از بزرگان مکتب خلافت مانند بخاری، ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن‌ماجه از او روایت نقل کرده‌اند. وی سرانجام در سال ۲۵۸ق. در نیشابور درگذشت و محمد بن طاهر -امیر طاهری- شخصاً در تشییع و خاکسپاری ذهلی شرکت کرد. وی در میدان الحسین دفن شد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ۱۸۵/۴-۱۹۱؛ ذهبی، [بی‌تا]: ۵۳۰/۲؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۴۵۲/۹-۴۵۵).

## ۲. استقبال کنندگان غیرمستند و مجعول

## ۲-۱. ابوزرعه رازی (متوفای ۲۶۴ق)

به گفته برخی منابع، هنگامی که امام رضا<sup>(ع)</sup> به نیشابور وارد شد، عبیدالله بن عبدالکریم بن یزید بن فروخ معروف به «ابوزرعه رازی» در زمره شاخص‌ترین کسان بود که در بازار نیشابور از علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> تقاضای نقل حدیث از پدرانش داشت و امام حدیث سلسله الذهب را در حضور

بیشتر از بیست‌هزار نفر گزارش کرد (قندوزی، ۱۴۱۶: ۱۲۲/۳؛ اربلی، [بی‌تا]: ۱۰۱/۳؛ ابن‌صباغ، ۱۴۲۲: ۱۰۰۱/۲؛ مناوی، ۱۴۱۵: ۶۴۱/۴).

در تاریخ ولادت ابوزرعه رازی در ری، اقوال گوناگونی وجود دارد: سال ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۰۰ و ۲۰۰ و اندی. قول مشهور سال ۲۰۰ است و به اجماع در آخر ذی‌حجه سال ۲۶۴، در ۶۴ سالگی در ری از دنیا رفت و همان‌جا دفن شد (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۶۳۶/۱؛ همو، ۱۴۰۴: ۳۰/۷؛ ابن‌ابی‌یعلی، [بی‌تا]: ۲۰۳/۱؛ ذهبی، ۱۹۹۲: ۶۸۳/۱). با توجه به تاریخ مذکور، ابوزرعه در اساس نمی‌تواند جزو مستقبلین، مستملین و مستمعین از امام رضا<sup>(ع)</sup> در سال ۲۰۰ و حداکثر ۲۰۱ باشد و بی‌تردید تصحیف و خلط شده است. به علاوه شیخ صدوق، حاکم نیشابوری و حافظ اصفهانی که در این زمینه گزارش داشته‌اند نیز به نام «ابوزرعه» اشاره نکرده‌اند (صدوق، ۱۴۳/۲: ۱۴۰۴؛ همو، ۱۳۹۸: ۲۴؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸؛ ابونعیم اصبهانی، ۱۹۳۴: ۱۳۸/۱).

اولین کسی که سخن از ابوزرعه رازی مطرح کرده، اربلی (متوفای ۶۹۲ق) در اواخر قرن هفتم قمری است که با واسطه فردی مجهول از کتاب تاریخ نیشابور نقل کرده است. پس از اربلی، ابن‌صباغ (متوفای ۸۵۵ق) در قرن نهم قمری به وی اشاره کرده است. پس از آنان، ابن‌سخن و اقتراح توسط قندوزی حنفی، علامه مجلسی، خوبی، جعفر مرتضی‌عاملی و دیگران تکرار شده است (اربلی، [بی‌تا]: ۱۰۱/۳؛ ابن‌صباغ: ۱۴۲۲ق: ۱۰۰۱/۲؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ۱۲۲/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۲۶/۴۹؛ خوبی، ۱۴۱۳ق: ۸۸/۱۶؛ مرتضی‌عاملی، ۱۴۱۶ق: ۱۴۴).

به نظر نگارنده، چون در کتاب تاریخ نیشابور که اکنون در دست ماست و مستند سخن اربلی و ابن‌صباغ و دیگران است، سخنی از حضور ابوزرعه هنگام ورود امام رضا<sup>(ع)</sup> نیامده و از سویی حاکم نیشابوری تنها از ابن‌راهویه و محمدبن اسلم سخن گفته است، می‌توان ابوزرعه در سخن آنان را محرّف ابن‌راهویه دانست و یا حداکثر ابن‌زرعه مجهول و غیر رازی مراد باشد (ذهبی، ۱۹۹۳: ۳۱۲/۱۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۲۰۸).

ابوزرعه رازی برای تحمل حدیث به مراکز گوناگون رفته است. مزی نزدیک به هشتاد نفر از اساتید وی نظیر احمدبن حنبل، فضل‌بن دکین، نصربن علی جهضمی و دیگران را برشمرده است. گروه زیادی از محدثان از جمله مسلم، ترمذی، نسائی، ابن‌ماجه قزوینی و غیره نیز از او استماع کرده‌اند. وی مانند اسحاق‌بن راهویه و احمدبن حنبل معتقد به قدم قرآن و مخالف اهل رأی و اجتهاد بود و در عین حال دیدگاه مرجئه را بر نمی‌تابید. رجال‌نویسانی چون نسائی، ابوحاتم رازی،

ابن حبان و ذهبی وی را ستوده‌اند. گفته شده است که وی بخشی از احادیث را در مسندی گرد آورده بود. نجاشی تألیفی با عنوان ذکر من روی عن جعفر بن محمد علیه السلام من التابعین و من قاریهم به وی نسبت داده است (ابن‌ابی‌حاتم رازی، ۱۳۷۲: ۳۲۸/۱، ۳۲۵/۵-۳۲۶-مزی، ۱۴۱۳: ۹۰/۱۹-۱۰۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۳۵-۳۲۵/۱۰؛ ابن‌عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۱۱/۳۸-۳۹؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۱۳/۶۵-۸۵؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۰؛ کرباسی، ۱۴۲۵: ۵۸۸؛ سیوطی، ۱۴۰۳: ۲۵۳).

## ۲-۲. ابن‌خزیمه (متوفای ۳۱۱ق)

محمد محسن طوسی، ابوبکر محمد بن اسحاق بن خُزیمه سُلمی نیشابوری مشهور به «ابن‌خزیمه» را از کسانی قلمداد کرده که از امام رضا<sup>(ع)</sup> خواسته بود حدیثی از پدرنش نقل کند (طوسی، ۱۳۸۸: ۹۶). شایان یادآوری است که اولاً ابن‌خزیمه بیست سال پس از شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup>، یعنی سال ۲۲۳ زاده شد و در ۵ ذی‌قعدة سال ۳۱۱، هنگامی که ۸۸ ساله بود، درگذشت (ذهبی، ۱۹۹۳: ۱۴/۳۷۱-۳۷۲)؛ ثانیاً بیشتر از صد سال پس از شهادت حضرت، به زیارت آرامگاه وی رفت. حاکم نیشابوری گفته است از «محمد بن مؤمل بن حسن بن عیسی» شنیدم که می‌گفت «روزی با پیشوای اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه و ابوعلی ثقفی و دیگر استادان خود به دیدار مرقد علی بن موسی‌الرضا<sup>(ع)</sup> به طوس رفتیم. آنان بسیار به زیارت مزار علی‌الرضا می‌رفتند. بزرگداشت، فروتنی و گریه و زاری ابن‌خزیمه در کنار مرقد، همگی ما را شگفت‌زده کرد. این همه تواضع و احترامات ویژه ابن‌خزیمه به آرامگاه در حضور بزرگان از خاندان سلطان و خاندان شاذان بن نعیم و خاندان شنقشین و در حضور گروهی از علویان نیشابور و هرات و طوس و سرخس انجام گرفت و همه آنان چهره و حرکات ابن‌خزیمه را به هنگام دیدار قبر مشاهده و ثبت کرده‌اند. از این برخورد وی با مزار امام، بسیار خوشحال شدند و به همین سبب صدقه دادند و همگی گفتند اگر زیارت آرامگاه‌ها و گریه و زاری کنار آنها و بزرگداشت دارنده قبر سنت نبود و فضیلت نداشت، هیچ‌گاه ابن‌خزیمه چنین نمی‌کرد. در ربیع‌الثانی سال ۳۰۹ از زیارت برگشتیم» (ابن‌حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۳۹/۷؛ عطاردی، ۱۴۰۶: ۱۱۷/۱؛ حموئی جوبنی، ۱۳۹۸: ۱۹۸/۲؛ شاکری، ۱۴۱۸: ۱۲/۵۵۴).

ابن‌خزیمه از بزرگ‌ترین محدثان و فقیهان خراسان است که سفرهای متعددی برای کسب دانش به مرو، ری، بغداد، کوفه، بصره، عبادان، شام، قاهره، اسکندریه، حجاز و گرگان داشته و

از استادان بسیاری مانند ابن راهویه، علی بن حجر، أحمد بن عبده ضبی و دیگران حدیث شنیده است. گروهی از مشایخ صاحبان صحاح سته از مشایخ او نیز بوده‌اند و حتی خود بخاری و مسلم نیز از وی روایت کرده‌اند. ابن حبان حداقل ۳۰۱ حدیث از وی تنها در *المسند الصحیح* روایت کرده است. کتب رجالی اهل سنت وی را ثقه، صدوق، امام الأئمه، شیخ الاسلام، فقیه، محدث و مفسر قلمداد کرده‌اند. کتاب وی به نام *التوحید و اثبات صفات الرب عز و جل* گویای سلفی بودن وی است که به جلوس خدا در بالای آسمان‌های هفت‌گانه و قدیم بودن کلام الهی اعتقاد داشته است (ابن خزیمه نیشابوری، ۱۴۳۱: ۲۲؛ ابن حبان، ۱۳۹۳: ۱۵۶/۹؛ همو، ۱۴۱۴: ۱۵/۱؛ ابن‌ابی‌حاتم رازی، ۱۳۷۲: ۱۹۶/۷؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰: ۱۱۲/۵؛ سمعانی، ۱۹۸۴: ۱۲۴/۵).

حاکم نیشابوری پس از آنکه از ابن خزیمه به عنوان دانشمندی بزرگ یاد کرد و از او حدیث «تقتل عماراً الفئته الباغية» را نقل کرد، از قولش نوشت: «گواهی می‌دهم هر کس در جریان خلافت با علی بن ابی‌طالب<sup>(ع)</sup> به درگیری برخاست، گردن‌کش و سرکش بوده است. بزرگان ما در همین مسیر رفتند و ابن‌ادریس شافعی نیز همین را گفت». از دسته دانشمندان اهل حدیث که قائل به تقدم علی بر عثمان بوده‌اند، ابن خزیمه است. صدوق روایاتی از وی نقل کرده است (صدوق، ۱۳۸۵: ۲۱۸/۱؛ همو، ۱۳۶۲: ۱۹۸؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۳۶۵/۱۴-۳۸۲؛ همو، ۱۴۱۳: ۲۳۸/۲۴؛ ابن‌عماد حنبلی، [بی‌تا]: ۳۱۵/۲؛ حیدری‌نسب، ۱۳۹۰: ش: ۷۷).

### ۲-۳. محمد بن عبد الوهاب ثقفی نیشابوری (متوفای ۳۲۸)

محمد محسن طبسی، محمد بن عبد الوهاب بن عبد الرحمن بن عبد وهاب ثقفی نیشابوری را نیز در زمره کسانی معرفی کرده است که از امام رضا<sup>(ع)</sup> خواسته بود حدیثی از پدرانش نقل کند (طبسی، ۱۳۸۸: ۹۸)، اما اولاً وی در سال ۲۴۴ یعنی ۴۱ سال پس از شهادت امام رضا<sup>(ع)</sup> در قهستان متولد شد و در نیشابور سکونت گزید و در ۲۳ جمادی‌الأولی سال ۳۲۸ در ۸۴ سالگی و به قولی ۸۹ سالگی در زمان خلافت راضی عباسی در نیشابور درگذشت و در همان‌جا دفن شد (ذهبی، ۱۹۹۳: ۲۸۳/۱۵؛ ابن‌عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۲۱۲/۴۱؛ ابن‌عماد حنبلی، [بی‌تا]: ۳۱۵/۲؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۶۵۲)؛ ثانیاً همان‌طور که در سطور قبل گفته شد، وی بیشتر از صد سال پس از شهادت امام، به همراه ابن خزیمه به زیارت مرقد امام رفتند و در ربیع‌الثانی سال ۳۰۹ از زیارت برگشتند (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۳۹/۷؛ عطاردی، ۱۴۰۶: ۱۱۷/۱؛ حموی جوبینی، ۱۳۹۸: ۱۹۸/۲؛

شاکری، ۱۴۱۸ق: ۵۵۴/۱۲).

ابوعلی ثقفی در بغداد از محمدبن جهم سمری و احمدبن حیّان بن مُلّاعِبِ بغدادی و در ری از موسی بن نصر رازی و در نیشابور از محمدبن عبدالوّهّاب فرّاء و کسانی که در طبقه آنان قرار گرفته داشتند، حدیث شنید و محمدبن اسحاق صِبْغی، حسان بن محمد فقیه و محمدبن محمد حجاجی از جمله کسانی‌اند که از وی حدیث نقل کرده‌اند. وی اولین کسی است که علوم شافعی و دقایق ابن سریج را به خراسان انتقال داد و در فقه شافعی در خراسان اققه از وی نبود. وی را با عناوین امام، محدث، فقیه، علامه، واعظ، شیخ خراسان و دانشمند نیشابور ستوده‌اند (ذهبی، ۱۹۹۳: ۲۸۰-۲۸۳؛ همو، ۱۴۱۳: ۲۳۸/۲۴؛ ابن عماد حنبلی، [بی تا]: ۳۱۵/۲). ابوعلی ثقفی با حداد نیشابوری و حمدون قصّار از صوفیان طریقت ملامتیه در سده سوم قمری، ارتباط داشت و سخنان قصار و نغزی از وی نقل شده است. او در برخی مسائل مهم کلامی مانند ایمان، خذلان و توفیق با ابن خزیمه اختلاف داشت (صفدی، ۱۴۲۰: ۵۵/۴؛ ابن عماد حنبلی، [بی تا]: ۳۱۵/۲؛ ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵: ۲۱۲/۴؛ سلمی، ۱۳۸۹ق: ۳۶۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۳۳۹/۷؛ حمّوئی جوینی، ۱۳۹۸ق: ۱۹۸/۲).

#### ۲-۴. آدم بن اَبی ایاس عسقلانی (متوفای ۲۲۰)

نویسنده کتاب حدیث سلسله الذهب از دیدگاه اهل سنت، آدم بن اَبی ایاس عسقلانی را در شمار کسانی معرفی کرده که در نیشابور از امام رضا<sup>(ع)</sup> خواسته بود حدیثی از آباء طاهرینش نقل کند. وی این رفتار را نمایانگر عظمت و مرجعیت علمی و معنوی امام رضا<sup>(ع)</sup> قلمداد کرده است (طبسی، ۱۳۸۸: ۹۰). نکته قابل ذکر اینکه اولاً وی هیچ منع و سندی را برای انتساب مذکور یاد نکرده و ثانیاً صدوق، حاکم نیشابوری، حافظ اصفهانی و اربلی که به این موضوع فی الجمله ورود کرده‌اند، نام وی را گزارش نکرده‌اند؛ ثالثاً نگارنده این سطور با بررسی گسترده منابع روایی و رجالی فریقین، به استماع وی نسبت به حدیث سلسله الذهب و سایر احادیث از امام رضا<sup>(ع)</sup> مواجه نشده است؛ گرچه در سند برخی روایات شیعه وجود دارد (صدوق، ۱۳۹۸: ۳۳۱؛ همو، ۱۳۸۵: ۸۱/۱؛ همو، ۱۴۰۵: ۱۴۵؛ محمدبن سلیمان کوفی، ۱۴۱۲: ۹۹/۱).

وی اصالتاً خراسانی بوده و در سال ۱۳۲ زاده شد. آموزش خود را در عراق، مصر، مکه، مدینه و شام سپری کرد. او از مبارک بن فضاله، شعبه بن حجاج، حماد بن سلمه و گروهی دیگر

حدیث نقل کرده و کسان بسیاری مانند بخاری، أبوزرعة دمشقی و أبوحاتم رازی از او تحمل حدیث کرده‌اند. منابع رجالی مکتب خلافت وی را حافظ، قدوه، شیخ شام، ثقه، مأمون و متعبّد شناسانده‌اند. او از آغاز تا پایان زندگی در عسقلان مستقر بود و در سال ۲۲۰ - به گفته‌ای ۲۲۱ - در ۸۸ سالگی در گذشت و همان‌جا به خاک سپرده شد (ابن حبان، ۱۳۹۳: ۱۳۴/۸؛ مزی، ۱۴۱۳: ۳۰۳/۲؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۳۳۵/۱۰؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۷۱/۱).

## ۲-۵. معلی بن منصور رازی حنفی (متوفای ۲۱۱ ق)

محمد محسن طبری در مقاله «سلسله الذهب به روایت اهل سنت» (۱۳۸۵) «ابویعلی معلی بن منصور رازی حنفی» را در شمار مستقبّلین از امام رضا<sup>(ع)</sup> و درخواست‌کنندگان نقل حدیث معرفی کرده است. البته این نوشتار از منبعی یاد نکرده و شیخ صدوق و حاکم نیشابوری و متقدمان دیگر نیز اشاره‌ای به معلی بن منصور نکرده‌اند. علاوه بر آن، نگارنده مقاله پیش‌رو با بررسی منابع روایی فریقین، به موضوع استقبال و استملای وی روبه‌رو نشده است.

وی حدود سال ۱۵۰ زاده شد و در بغداد ساکن بود و از مشایخ نام‌برداری چون مالک بن انس، سفیان بن عینه و ابی بکر بن عیاش تلقی حدیث کرد و از سوی محدثانی چون علی بن مدینی، محمد بن یحیی ذهلی و بخاری از وی روایت کرده‌اند. او از اصحاب ابویوسف قاضی و محمد بن حسن شیبانی - دو شاگرد ابوحنیفه - به شمار می‌رفت و چند بار از وی خواستند که عهده‌دار امور قضاوت شود، اما نپذیرفت. او مجموعه‌هایی از شنیده‌های خود را تصنیف کرد و در ربیع‌الاول سال ۲۱۱ یا ۲۱۲ در بغداد درگذشت (ابن‌أبی‌حاتم رازی، ۱۳۷۲: ۳۳۴/۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۳۸۹/۱۱-۱۹۱؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۳۶۵/۱۰؛ عجلی، ۱۴۰۵: ۲۸۹). گرچه رجال‌شناسان اهل سنت وی را به اوصاف علامه، حافظ، ثقه، متقن، مفتی، فقیه و صدوق توصیف کرده‌اند، اما ابن حنبل هیچ حدیثی از وی به خاطر رأی و اجتهادش نقل نکرده است. در عین حال، وی چون معتقد به خلق قرآن را کافر می‌دانست، در عداد اهل‌الحديث قرار دارد (مزی، ۱۴۱۳: ۲۹۳/۲۸-۲۹۶؛ ابن حبان، ۱۳۹۳: ۱۸۲/۹؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۱۷۱/۱۰).

## ۲-۶. نصر بن علی جهضمی

محمد محسن طبری «نصر بن علی جهضمی» را نیز در عداد مستقبّلین، مستملین و مستمعین حدیث

امام رضا<sup>(ع)</sup> قلمداد کرده است (طیبی، ۱۳۸۸: ۹۴). گفتنی است همان سه ایرادی که در دو مورد پیشین هست، در این مورد نیز وجود دارد.

نصر بن علی بن نصر حدود سال ۱۶۱ق. متولد شد و در ۲۵۰ در گذشته است. وی بصری است که در بغداد به نشر حدیث پرداخت. کتب رجالی مکتب خلافت او را از بزرگان اهل حدیث، ثقه، حافظ، علامه و از کبار علما به شمار آورده‌اند. از بسیاری مانند ابوداود طیالسی، سفیان بن عیینه و یحیی بن سعید قطان و هم‌طبقه آنان تحمل حدیث کرد و افراد بسیاری مانند نویسندگان صحاح سته، ذهلی، ابن خزیمه، ابوحاتم رازی و ابوزرعه از او روایت کرده‌اند (ابن‌ابی حاتم رازی، ۳۷۲: ۴۶۶/۸، ۴۷۱؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۱۲/۱۳۳-۱۳۴؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۳/۲۸۸). نقل است که وی حدیث «من أحبّی و أحبّ هذین و أباهما و أمهما کان معی فی درجتی یوم القیامة» را درباره خمسه طاهرین با سندی از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل کرد و متوکل او را به هزار ضربه شلاق محکوم کرد که با شهادت برخی که وی سنی است و نه رافضی، مورد بخشش قرار گرفت. وی در اسناد برخی احادیث شیعه قرار دارد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۳/۲۸۸؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۱۵۸؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹: ۶۹/۸).

### نتیجه‌گیری

۱. بی‌تردید علی بن موسی رضا<sup>(ع)</sup> در سال ۲۰۰ یا ۲۰۱ وارد نیشابور شد و برخی از دانشیان به لگام مرکب وی چنگ زده و درخواست بازگفت حدیث کرده‌اند. صدوق (متوفای ۳۸۱ق) به نام محمد بن رافع، أحمد بن حرب، یحیی بن یحیی و ابن راهویه اشاره کرده و حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵) به نام ابن راهویه و محمد بن اسلم طوسی؛ و حافظ ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰) به یاسین بن نصر، أحمد بن حرب و یحیی بن یحیی؛ و ابن‌عساکر نیز به محمد بن یحیی تصریح کرده‌اند که روی هم رفته هفت تن مستند می‌باشند.
۲. در سده هفتم، اربلی (متوفای ۶۹۲ق) از ابوزرعه رازی نام برده است. پس از اربلی، ابن‌صباغ، قندوزی حنفی، مجلسی، امین، خوبی، مرتضی‌عاملی و دیگران آن سخن را تکرار کرده‌اند؛ با اینکه ابوزرعه رازی هنگام ورود امام رضا<sup>(ع)</sup> یا زاده نشده بود و یا حداکثر طفل بود. به نظر می‌رسد چون در کتاب تاریخ نیشابور که مستند سخن اربلی است، سخنی از ابوزرعه نیامده و حاکم نیشابوری تنها از ابن راهویه و محمد بن اسلم سخن گفته، ابوزرعه در سخن اربلی

محرّف ابن راهویه است.

۳. محمدحسن طوسی در کتاب و مقالات خود بدون ارائه هیچ سند و منبعی، نام پنج تن دیگر را در شمار مستقبلین و مستمعین حدیث امام رضا<sup>(ع)</sup> قلمداد کرده است؛ با اینکه دو تن از آنان چند دهه پس از امام رضا<sup>(ع)</sup> زاده شده‌اند و یکی کودک بوده و دو تن در سرزمین دیگر زندگی می‌کردند. بی‌چون و چرا این ناآگاهی‌ها و تحریفات، تاریخ‌نگاری و حدیث‌پژوهی شیعه را دستخوش وهن قرار می‌دهد.

### منابع و مأخذ

- ابن‌ابی‌حاتم رازی (۱۳۷۲ق)، الجرح و التعديل، ج ۱، ۵، ۷، ۸، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
- ابن‌ابی‌یعلی، محمد [بی‌تا]، طبقات الحنابلة، ج ۱، بیروت: دارالمعرفة.
- ابن‌بطریق، یحیی (۱۴۰۷ق)، عمدة عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن‌حبان، محمد (۱۳۹۳ق)، الثقات، تحقیق محمد عبدالمعیدخان، ج ۸، ۹، حیدرآباد دکن: مؤسسه الکتب الثقافیة.
- ..... (۱۴۱۴ق)، صحیح ابن‌حبان بترتیب ابن‌بلبان الفارسی، تحقیق شعیب الارنؤوط، ج ۱، بیروت: الرساله.
- ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، تقریب التهذیب، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱، ۲، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ..... (۱۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، ج ۱، ۷، ۹، ۱۰، بیروت: دار الفکر.
- ..... (۱۳۹۰ق)، لسان المیزان، ج ۱، ۵، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ابن‌خزیمه نیشابوری (۱۴۳۱ق)، التوحید و إثبات صفات الرب عز و جلّ، تحقیق احمد ریاشی، مصر: مکتبه العلوم و الحکم.
- ابن‌خلکان، احمد [بی‌تا]، وفيات الأعیان و أنباء أنباء الزمان، تحقیق إحسان عباس، ج ۱، بیروت: دار الثقافة.
- ابن‌داود حلّی، حسن بن علی (۱۳۹۲ق)، رجال ابن‌داود، تحقیق سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف: الحیدریه.
- ابن‌صباغ، علی بن محمد (۱۴۲۲ق)، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، تحقیق سامی الغریبی، ج ۲، قم: دار الحدیث.
- ابن‌عبدالبر، یوسف [بی‌تا]، الإنتقاء فی فضائل الثلاثة الأئمة الفقهاء، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن‌عساکر دمشقی، علی (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق علی شیری، ج ۴، ۵، ۸، ۱۶، ۳۸، ۴۱، ۴۸، بیروت: دار الفکر.
- ابن‌عماد حنبلی، عبدالحی [بی‌تا]، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربي.

- ابن ماکولا، علی بن هبة الله، [بی تا]، اكمال الکمال، ج ٧، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن ندیم بغدادی، محمد (١٣٨١ ش)، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران: اساطیر.
- ابو نعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله (١٩٣٤ م)، ذکر أخبار اصبهان، ج ١، چاپخانه بریل، لیدن المحروسة.
- إربلی، علی بن أبی الفتح [بی تا]، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ٣، بیروت: دار الأضواء.
- بخاری، محمد بن اسماعیل [بی تا]، التاريخ الكبير، ج ١، دیاربکر (ترکیا): المكتبة الإسلامية.
- بیات مختاری، مهدی (١٣٩١)، دیدار فضل بن شاذان با امام رضا (ع)؛ تقدی بر معرفة الحديث، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- بیهقی، أحمد بن الحسين [بی تا]، السنن الكبرى، ج ٢، بیروت: دار الفکر.
- جعفریان، رسول (١٣٧٩ ش)، از پیدایش اسلام تا ایران اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- حاکم حسکانی، عیبدالله (١٤١١ ق)، شواهد التنزیل، تحقیق محمدباقر محمودی، ج ١، تهران: وزارة الثقافة و الارشاد الإسلامي.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله (١٣٧٥ ش)، تاریخ نیشابور، تصحیح محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- ..... (١٤٠٠ ق)، معرفة علوم الحديث، تصحیح سید معظم حسین، بیروت: دار الآفاق الجديدة.
- حمّوئی جوینی، ابراهیم (١٣٩٨ ق)، فرائد السّمطين، تحقیق محمدباقر محمودی، ج ٢، بیروت: مؤسسة المحمودی.
- حیدری نسب، علیرضا (١٣٩٠ ش)، حاکم نیشابوری و المستدرک علی الصحیحین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- خطیب بغدادی، احمد (١٤١٧ ق)، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، ج ٤، ٦، ١٠، ١٣، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- خوبی، سید ابوالقاسم (١٤١٣ ق)، معجم رجال الحديث، ج ١٦، [بی جا]: مرکز نشر الثقافة الإسلامية، ج ٥.
- ذهبی، محمد (١٤١٣ ق)، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، ج ١٦، ١٧، ٢٢، ٢٣، ٢٤، بیروت: دار الکتب العرب.
- ..... [بی تا]، تذکرة الحفاظ، ج ٢، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ..... (١٩٩٣ م)، سیر أعلام النبلاء، تحقیق صالح السمر، ج ١٠، ١١، ١٢، ١٣، ١٤، ١٥، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ..... (١٩٩٢ م)، الکاشف فی معرفة من له رواية فی کتب السنة، تحقیق محمد عوامة، ج ١، ٢، جدة: دار القبلة للثقافة الإسلامية.
- ..... (١٣٨٢ ق)، میزان الاعتدال، تحقیق علی محمد البجاوی، ج ١، بیروت: دارالمعرفة.
- سلمی، محمد بن حسین (١٣٨٩ ق)، طبقات الصوفیة، تحقیق نورالدین شریبة، قاهره: مكتبة الخانجي.
- سمعانی، عبدالکریم (١٩٨٤ م)، الانساب، ج ٥، قاهره: مكتبة ابن تیمیة.

- سیوطی، عبدالرحمن (۱۴۰۳ق)، *طبقات الحفاظ*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شاکری، حسین (۱۴۱۸ق)، *موسوعة المصطفى و العترة<sup>(ع)</sup>*، ج ۱۲، قم: نشر الهادی.
- شیروانی، حیدر (۱۴۱۴ق)، *مناقب أهل البيت<sup>(ع)</sup>*، تحقیق محمد حسون، قم: منشورات الإسلامية.
- صدوق، محمدبن علی (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، تصحیح سید هاشم حسینی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ..... (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم: اسلامی.
- ..... (۱۳۸۵ق)، *علل الشرايع*، تحقیق سید محمدصادق بحر العلوم، ج ۱، نجف: الحیدریة.
- ..... (۱۴۰۴ق)، *عیون اخبار الرضا<sup>(ع)</sup>*، تحقیق حسین علمی، ج ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ..... (۱۴۰۵ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمة*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- صفدی، خلیل‌بن ایبک (۱۴۲۰ق)، *الوافی بالوفیات*، تحقیق احمد ارناؤوط، ج ۴، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طبسی، محمدمحسن (۱۳۸۵ش)، «سلسله الذهب به روایت اهل سنت»، فصلنامه فرهنگ کوثر، ش ۶۷، صص ۳۱-۴۲. <http://noo.rs/1UkLg>
- طبسی، محمد محسن (۱۳۸۸ش)، *حدیث سلسله الذهب از دیدگاه اهل سنت*، قم: دلیل ما.
- طبری، محمدبن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلائل الامامة*، قم: مؤسسه البعثة.
- طوسی، محمد (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، تحقیق مؤسسه البعثة، قم: دار الثقافة.
- ..... (۱۴۱۵ق)، *رجال الطوسی*، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- عجلی، احمدبن عبدالله (۱۴۰۵ق)، *معرفة التقات*، المدينة المنورة: مكتبة الدار.
- عطار نیشابوری، فریدالدین [بیتا]، *تذکرة الاولیاء*، مقدمه میرزا محمدخان قزوینی، تهران: انتشارات مرکزی.
- عطاردی، عزیزالله (۱۳۸۸ش)، *اخبار و آثار حضرت رضا<sup>(ع)</sup>*، تهران: صدر.
- ..... (۱۴۰۶ق)، *مسند الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>*، ج ۱، مشهد: المؤتمر العالمی الإمام الرضا<sup>(ع)</sup>.
- قندوزی، سلیمان (۱۴۱۶ق)، *ینابیع الموده لنوی القریبی*، تحقیق سید علی جمال اشرف حسینی، ج ۳، تهران: دار الاسوه.
- کرباسی، محمدجعفر (۱۴۲۵ق)، *اکلیل المنهج فی تحقیق المطلب*، تحقیق سید جعفر حسینی اشکوری، قم: دار الحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، ج ۴۹، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدبن سلیمان کوفی (۱۴۱۲ق)، *مناقب الإمام أميرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>*، تحقیق محمدباقر محمودی، ج ۱، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية.
- محمودی، محمدباقر (۱۳۹۶ق)، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة*، ج ۲، بیروت: دار التعارف.
- مرتضی عاملی، سید جعفر (۱۴۱۶ق)، *الحياة السياسية للإمام الرضا<sup>(ع)</sup>*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۴۰۴ق)، *شرح إحقاق الحق*، ج ۱۷، قم: مكتبة آيةالله المرعشي النجفي.
- مزی، یوسف (۱۴۱۳ق)، *تهذیب الکمال*، تحقیق بشار عواد معروف، ج ۲، ۱۹، ۲۵، ۲۸، ۳۲، بیروت:

مؤسسه الرسالة.

- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲ش)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: امیرکبیر.
- نجاشی، احمد (۱۴۱۶ق)، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی زنجانی، قم: اسلامی.
- نمازی شاهرودی، علی (۱۴۱۹ق)، مستدرک سفینه البحار، ج ۸، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مناوی، محمد عبدالرؤف (۱۴۱۵ق)، فیض القادیر، تحقیق أحمد عبدالسلام، ج ۴، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- وحیدی مهرجردی، شهاب‌الدین (۱۳۹۴ش)، مرجئه، تهران: سمت.

### List of sources with English handwriting

- Abu Nu'aym al-Isfahani, Ahmad ibn Abdullah. (1934 CE). Dhikr Akhbar Isfahan. Leiden: Brill. **[In Persian]**
- Al-'Attar, Farid al-Din. (n.d.). Tadhkirat al-Awliya. Muqaddima Mirza Muhammad Khan Qazwini. Tehran: Intisharat-e Markazi. **[In Persian]**
- Al-'Attardi, Aziz Allah. (1986 CE). Musnad al-Imam al-Rida (AS). Mashhad: Al-Mu'tamar al-'Alami al-Imam al-Rida (AS). **[In Persian]**
- Al-'Attardi, Aziz Allah. (2009 CE). Akhbar wa Athar-e Hazrat Reza (AS). Tehran: Sadr. **[In Persian]**
- Al-Bayhaqi, Ahmad Ibn al-Husayn. (n.d.). Al-Sunan al-Kubra. Beirut: Dar al-Fikr. **[In Persian]**
- Al-Bukhari, Muhammad ibn Isma'il. (n.d.). Al-Tarikh al-Kabir. Diyarbakir: Al-Maktaba al-Islamiyya. **[In Persian]**
- Al-Dhahabi, Muhammad. (1962 CE). Mizan al-I'tidal. Tahqiq Ali Muhammad al-Bajawi. Beirut: Dar al-Ma'rifa. **[In Persian]**
- Al-Dhahabi, Muhammad. (1992 CE). Al-Kashif fi Ma'rifat man lahu Riwaya fi Kutub al-Sitta. Tahqiq Muhammad 'Awwama. Jeddah: Dar al-Qibla lil-Thaqafa al-Islamiyya. **[In Persian]**
- Al-Dhahabi, Muhammad. (1992 CE). Tarikh al-Islam wa Wafayat al-Mashahir wa al-'A'lam. Tahqiq Omar Abdul Salam Tadmuri. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. **[In Persian]**
- Al-Dhahabi, Muhammad. (1993 CE). Siyar A'lam al-Nubala. Tahqiq Salih al-Samar. Beirut: Mu'assasat al-Risala. **[In Persian]**
- Al-Dhahabi, Muhammad. (n.d.). Tadhkirat al-Huffaz. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. **[In Persian]**
- Al-Hakim al-Haskani, Ubayd Allah. (1991 CE). Shawahid al-Tanzil. Tahqiq Muhammad Baqir al-Mahmudi. Tehran: Wizarat al-Thaqafa wa al-Irshad al-Islami. **[In Persian]**
- Al-Hakim al-Nishaburi, Abu Abdullah. (1980 CE). Ma'rifat 'Ulum al-Hadith. Tas-hih Sayyid Mu'azzam Husayn. Beirut: Dar al-Afaaq al-Jadida. **[In Persian]**
- Al-Hakim al-Nishaburi, Abu Abdullah. (1996 CE). Tarikh Nishabur. Tas-hih Muhammad Rida Shafi'i Kadkani. Tehran: Agah. **[In Persian]**

- Al-Hamawi al-Juwayni, Ibrahim. (1978 CE). Fara'id al-Simtayn. Tahqiq Muhammad Baqir al-Mahmudi. Beirut: Mu'assasat al-Mahmudi. **[In Persian]**
- Al-'Ijli, Ahmad Ibn Abdullah. (1985 CE). Ma'rifat al-Thiqat. Medina: Maktabat al-Dar. **[In Persian]**
- Al-Irbili, Ali ibn Abi al-Fath. (n.d.). Kashf al-Ghumma fi Ma'rifat al-A'imma. Beirut: Dar al-Adwa'. **[In Persian]**
- Al-Karbasi, Muhammad Ja'far. (2004 CE). Iklil al-Manhaj fi Tahqiq al-Matlub. Tahqiq Sayyid Ja'far Husayni Ashkuri. Qom: Dar al-Hadith. **[In Persian]**
- Al-Khatib al-Baghdadi, Ahmad. (1996 CE). Tarikh Baghdad. Tahqiq Mustafa Abdul Qadir Ata. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. **[In Persian]**
- Al-Khoei, Sayyid Abul Qasim. (1992 CE). Mu'jam Rijal al-Hadith. Markaz Nashr al-Thaqafa al-Islamiyya. **[In Persian]**
- Al-Mahmudi, Muhammad Baqir. (1976 CE). Nahj al-Sa'ada fi Mustadrak Nahj al-Balagha. Beirut: Dar al-Ta'aruf. **[In Persian]**
- Al-Majlisi, Muhammad Baqir. (1983 CE). Bihar al-Anwar. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. **[In Persian]**
- Al-Mar'ashi al-Najafi, Sayyid Shahab al-Din. (2071 CE). Sharh Ihqaq al-Haqq. Qom: Maktabat Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi. **[In Persian]**
- Al-Mizzi, Yusuf. (1992 CE). Tahdhib al-Kamal. Tahqiq Bashir 'Awwad Ma'ruf. Beirut: Mu'assasat al-Risala. **[In Persian]**
- Al-Munawi, Muhammad Abdul Ra'uf. (1994 CE). Fayd al-Qadir. Tahqiq Ahmad Abdul Salam. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. **[In Persian]**
- Al-Murtada al-'Amili, Sayyid Ja'far. (1995 CE). Al-Hayat al-Siyasiyya lil-Imam al-Rida (AS). Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. **[In Persian]**
- Al-Najashi, Ahmad. (1995 CE). Rijal al-Najashi. Tahqiq Sayyid Musa Zanjani. Qom: Islami. **[In Persian]**
- Al-Namazi al-Shahroudi, Ali. (1998 CE). Mustadrak Safinat al-Bihar. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. **[In Persian]**
- Al-Qunduzi, Sulayman. (1995 CE). Yanabi' al-Mawadda li-Dhawi al-Qurba. Tahqiq Sayyid Ali Jamal Ashraf al-Husayni. Tehran: Dar al-Uswa. **[In Persian]**
- Al-Saduq, Muhammad ibn Ali. (1978 CE). Al-Tawhid. Tas-hih Sayyid Hashim al-Husayni. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. **[In Persian]**
- Al-Saduq, Muhammad ibn Ali. (1983 CE). Al-Khisal. Tas-hih Ali Akbar Ghaffari. Qom: Islami. **[In Persian]**
- Al-Saduq, Muhammad. (1965 CE). 'Ilal al-Shara'i. Tahqiq Sayyid Muhammad Sadiq Bahar al-Ulum. Najaf: Al-Haydariyya. **[In Persian]**
- Al-Saduq, Muhammad. (1984 CE). 'Uyun Akhbar al-Rida (AS). Tahqiq Husayn A'lami. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. **[In Persian]**
- Al-Saduq, Muhammad. (1985 CE). Kamal al-Din wa Tamam al-Ni'ma. Tahqiq Ali Akbar Ghaffari. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. **[In Persian]**

- Al-Safadi, Khalil ibn Aybak. (1999 CE). Al-Wafi bi al-Wafayat. Tahqiq Ahmad Arna'ut. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. **[In Persian]**
- Al-Sam'ani, Abd al-Karim. (1984 CE). Al-Ansab. Cairo: Maktabat Ibn Taymiyya. **[In Persian]**
- Al-Shirwani, Haydar. (1993 CE). Manaqib Ahl al-Bayt (AS). Tahqiq Muhammad Husun. Qom: Manshurat al-Islamiyya. **[In Persian]**
- Al-Sulami, Muhammad ibn al-Husayn. (1969 CE). Tabaqat al-Sufiyya. Tahqiq Nur al-Din Shurayba. Cairo: Maktabat al-Khanji. **[In Persian]**
- Al-Suyuti, Abd al-Rahman. (1983 CE). Tabaqat al-Huffaz. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. **[In Persian]**
- Al-Tabari, Muhammad ibn Jarir. (1992 CE). Dalail al-Imama. Qom: Mu'assasat al-Bi'tha. **[In Persian]**
- Al-Tusi, Muhammad. (1993 CE). Al-Amali. Tahqiq Mu'assasat al-Bi'tha. Qom: Dar al-Thaqafa. **[In Persian]**
- Al-Tusi, Muhammad. (1994 CE). Rijal al-Tusi. Tahqiq Jawad Qayyumi. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. **[In Persian]**
- Bayat Mukhtari, Mahdi. (2012 CE). Didar-e Fazl ibn Shadhan ba Imam Reza (AS): Naqdi bar Ma'rifat al-Hadith. Mashhad: Bunyad-e Pazhuheshha-ye Astan-e Quds-e Razavi. **[In Persian]**
- Haydari Nasab, Alireza. (2011 CE). Al-Hakim al-Nishaburi wa al-Mustadrak 'ala al-Sahihayn. Tehran: Intisharat-e Ilmi wa Farhangi. **[In Persian]**
- Ibn Abd al-Barr, Yusuf. (n.d.). Al-Intiqā' fi Fada'il al-Thalatha al-A'imma al-Fuqaha. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. **[In Persian]**
- Ibn Abi Hatim al-Razi. (1953 CE). Al-Jarh wa al-Ta'dil. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. **[In Persian]**
- Ibn Abi Ya'la, Muhammad. (n.d.). Tabaqat al-Hanabila. Beirut: Dar al-Ma'rifa. **[In Persian]**
- Ibn al-Nadim, Muhammad. (2002 CE). Al-Fihrist. Tahqiq Riza Tajaddud. Tehran: Asatir. **[In Persian]**
- Ibn Asakir, Ali. (1994 CE). Tarikh Madinat Dimashq. Tahqiq Ali Shiri. Beirut: Dar al-Fikr. **[In Persian]**
- Ibn Batriq, Yahya. (1987 CE). 'Umdat 'Uyun Sahih al-Akhbar fi Manaqib Imam al-Abrar. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islami. **[In Persian]**
- Ibn Dawud al-Hilli, Hasan ibn Ali. (1972 CE). Rijal Ibn Dawud. Tahqiq Sayyid Muhammad Sadiq Al Bahar al-'Ulum. Najaf: Al-Haydariyya. **[In Persian]**
- Ibn Hajar al-Asqalani. (1970 CE). Lisan al-Mizan. Beirut: Mu'assasat al-A'lami lil-Matbu'at. **[In Persian]**
- Ibn Hajar al-Asqalani. (1984 CE). Tahdhib al-Tahdhib. Beirut: Dar al-Fikr. **[In Persian]**
- Ibn Hajar al-Asqalani. (1994 CE). Taqrib al-Tahdhib. Tahqiq Mustafa Abdul Qadir Ata. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyya. **[In Persian]**

- Ibn Hibban, Muhammad. (1973 CE). Al-Thiqat. Tahqiq Muhammad Abdul Ma'id Khan. Hyderabad: Mu'assasat al-Kutub al-Thaqafiyya. **[In Persian]**
- Ibn Hibban, Muhammad. (1993 CE). Sahih Ibn Hibban bi Tartib Ibn Balban al-Farsi. Tahqiq Shu'ayb al-Arna'ut. Beirut: Al-Risala. **[In Persian]**
- Ibn Imad al-Hanbali, Abd al-Hayy. (n.d.). Shadharat al-Dhahab fi Akhbar man Dhahab. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. **[In Persian]**
- Ibn Khallikan, Ahmad. (n.d.). Wafayat al-A'yan wa Anba' Abna' al-Zaman. Tahqiq Ihsan Abbas. Beirut: Dar al-Thaqafa. **[In Persian]**
- Ibn Khuzayma al-Nishaburi. (2010 CE). Al-Tawhid wa Ithbat Sifat al-Rabb 'Azza wa Jall. Tahqiq Ahmad Riyashi. Egypt: Maktabat al-'Ulum wa al-Hikam. **[In Persian]**
- Ibn Makula, Ali ibn Hibat Allah. (n.d.). Ikmal al-Kamal. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. **[In Persian]**
- Ibn Sabbagh, Ali ibn Muhammad. (2001 CE). Al-Fusul al-Muhimma fi Ma'rifat al-A'imma. Tahqiq Sami al-Ghurayri. Qom: Dar al-Hadith. **[In Persian]**
- Ja'fariyan, Rasul. (2000 CE). Az Paydash-e Islam ta Iran-e Islami. Tehran: Mu'assasa-ye Farhangi-ye Danish wa Andisha-ye Mu'asir. **[In Persian]**
- Muhammad ibn Sulayman al-Kufi. (1992 CE). Manaqib al-Imam Amir al-Mu'minin (AS). Tahqiq Muhammad Baqir al-Mahmudi. Qom: Majma' Ihya' al-Thaqafa al-Islamiyya. **[In Persian]**
- Mustawfi Qazwini, Hamd Allah. (1983 CE). Tarikh-e Gozida. Baham-e Abd al-Husayn Nawa'i. Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
- Shakeri, Husayn. (1997 CE). Maws'at al-Mustafa wa al-'Itra (AS). Qom: Nashr al-Hadi. **[In Persian]**
- Tabasi, Muhammad Mohsen. (2006 CE). "Silsilat al-Dhahab bi Riwayat Ahl al-Sunnat". Faslname-ye Farhang-e Kawthar. (No. 67), 31-42. <http://noo.rs/1UkLg> **[In Persian]**
- Tabasi, Muhammad Mohsen. (2009 CE). Hadith-e Silsilat al-Dhahab az Didgah-e Ahl al-Sunnat. Qom: Dalil-e Ma. **[In Persian]**
- Wahidi Mehrjardi, Shahab al-Din. (2015 CE). Murji'a. Tehran: Samt. **[In Persian]**

